

## مشکل سیاهان!

بحثی را که مطالعه میفرمائید در باره نهضت اسلام در میان سیاهپوستان امریکائی است که با استفاده از مطالب و گزارشهای مطبوعات داخلی و مجلههای خارجی از قبیل: «المسلمون» چاپ ژنو، و «التربیة الاسلامیة» چاپ بغداد، و «لایف» life و «تایم» Time و «نیویورک تایمز» Newyork-times تهیه و تنظیم شده است.

چنانکه ملاحظه خواهید نمود؛ مقصود ما نظر اجمالی در پیرامون تاریخ، هدف؛ برنامه و کوششهای این نهضت اسلامی در راه رفع تبعیضات نژادی در قلب امریکا است و هرگونه اطلاعاتی را در این زمینه از خوانندگان ارجمند می پذیریم

### اسلام در امریکا :

بحث درباره اسلام و تعداد مسلمانان در ایالات متحده امریکا و امریکای جنوبی؛ و کوششهایی که از طرف گروههای اسلامی در راه نشر طرز فکر اسلامی در آن قاره بعمل میآید، نیازمند بررسی مفصل و مخصوصی است که امیدواریم پس از این مقال، بان بپردازیم. ولی در این مقال فقط میخواهیم اجمالی از سیر تاریخی و برنامه و هدف نهضت جمعیت «ملت اسلام» یا بقول امریکائیان Coloured Moslem (مسلمانان سیاه!) را بررسی و ارزیابی کنیم و نکتههایی از نوشته های مطبوعات امریکائی در باره این نهضت، و همچنین سخنان رهبران آن را نقل کنیم.

## مسئله سیاهان :

قبلا باید توجه داشته باشیم که یکی از مشکلات داخلی امریکا ، که هرچندی یکبار بصورت مسئله روز درآمده و در سراسر جهان مورد بحث و حمله و انتقاد قرار میگیرد ، مسئله سیاهپوستان و ظلم و ستمی است که سفیدپوستان با اصطلاح متمدن ! در حق آنان روا میدارند ... طبق قوانین موجوده در بعضی از ایالات امریکا ، باید سیاهان در همه امور از سفیدان ! جدا باشند . ازدواج سیاه با سفید جرم نابخشودنی است ؛ محله سیاهان از محلات سفیدپوستان جدا است ؛ مدرسه آنان باید یکی نباشد ، در دانشگاه سفیدپوستان اگر دانشجوی سیاهی بنام «هر دیت» ، بخواهد اسم نویسی کند باید پلیس فدرال و ژاندارها بکمک بشتابند تا در زیر برق سرنیزه ها او را بدانگشده راه بدهند . بیمارستانهای این ایالات هم هرگز اجازه ندارند که سفید و سیاه را در یک محل معالجه کنند و یا بخوابانند ! .

در کافه ها و سالنهای غذاخوری سفیدان ! نیز سیاهان حق ندارند داخل شوند ، و اگر سوار اتوبوس عمومی شدند ؛ باید در محل مخصوص سیاهان ! جای بگیرند و گر نه معرکه ای بپا خواهد شد .

تازه اگر آقای رئیس جمهور مثلا در باره لزوم نام نویسی دانشجوی سیاه پوست در دانشگاه سفیدپوستان ؛ دستوری بدهد فرماندار ایالت «هی سی سی پی» نمی پذیرد . وینالایحه رئیس جمهوری در این زمینه ، در کمیسیونهای مجلس سناتم فون میشود . تا آنکه خود نیز گشته میشود ... و از همه بدتر ؛ زنده تر ، شرم آورتر آنکه در بعضی از خانه هایی که بنام خدا ساخته شده سفید و سیاه حق عبادت دسته جمعی ندارند و پدران روحانی ؛ کسانیکه عیسی مسیح را «پسر یگانه» خداوند (۱) معرفی می کنند و تجسم «پدر در پسر» را برای نجات بشر میدانند (۲) به سیاهپوستان ؛ بجرم سیاهپوستی اجازه نمیدهند که در کلیسای سفیدان شرکت کنند . . .

بدین ترتیب ، در عهد آزادی ؛ سیاهان عملا از بسیاری از حقوق انسانی محروم و محروم و محروم جرم آنان ؛ فقط رنگ سیاه آنان است ، در صورتیکه سیاهان در همه چیز ؛ در ادراک و شعور در احساس و عواطف انسانی ؛ در همه انگیزه های بشری ، مانند همه افراد بشری بوده و هستند !

(۱) : ملاحظه بفرمائید ، در کتاب مقدس چنین میخوانیم :

«جلال او را دیدیم ، جلالی شایسته ؛ پسر یگانه پدر» (انجیل یوحنا باب ۱ ، آیه ۱۴)

(۲) : «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود . . . و کلمه جسم گردید

و در میان ما ساکن شد ، پراز فیض و راستی ، ! (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱۴ و ۱۵) و خدا

جهانرا آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد ، ! (انجیل یوحنا باب ۳ آیه ۱۶) .

### جنایات سفید پوستان :

جنایات ضد بشری عده‌ای از سفید پوستان در آمریکا و انواع ظلم و ستم‌هایی که بر سیاهان روا داشته و میدارند ، یکی دوتا نیست و ما برای نمونه اشاره به اعمال «سازمانی» میکنیم که اعضاء آن خود را موجودی بنام «انسان» مینامیدند ! ولی وحشیانه‌ترین و ضدانسانی‌ترین فجایع را بر ضد انسانهای دیگری انجام میدادند . . .

سازمان جمعیت سری Ku-Klux-Klan کو - کلوکس - کلان ؛ که با نام اختصاری «ك . ك . ك» مشخص میشود ، برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم ؛ پس از جنگ داخلی آمریکا که بخاطر آزادی بردگان در گرفت ، بوجود آمد .

ك . ك . ك که مخالف سرسخت آزادی بردگان در آمریکا بود ؛ پس از آنکه شکست خورد ، همت خود را به مبارزه علیه سیاهان - که بیشتر مورد استثمار بودند - اختصاص داد تا سرمایه داران بتوانند از وجود افرادی مانند خود ؛ فقط بچرم سیاهی رنگ ، همچنان استفاده کنند.

پیدایش این سازمان ضدبشری یکی از فرآورده های خاص زندگی مادی مربوط باوایل قرن نوزدهم میلادی ببعده است و تا کنون سه بار شکست خورده و از بین رفته و بازاز نو بوجود آمده است و اکنون نیز سرسخت ترین و خونخوارترین دشمن سیاهپوستان و هر گونه آزادیهای مشروع و قانونی و حقوق بشری طبقات ضعیف و بیچاره ورنجبر است و سیاهان را باوحشیانه ترین وجهی بچنگ آورده و بااصطلاح خودشان لنچ میکنند که شرح کیفیت «لنچ» کردن شاید برای خوانندگان ما ناراحت کننده باشد .

**«جان‌موفات»** در نوشته‌های خود که مبتنی بر گزارش هیئت بازرسی پارلمانی است درباره ك . ك . ك و جنایات آنها چنین مینویسد : مرکز فعالیت جمعیت طرفدار برتری نژاد ك . ك . ك تنها در شهرهای قدیمی جنوب نبود ، بلکه در سر زمین وسیعی در مغرب «هی‌سی‌سی‌پی» بود که شامل شمال و شرق ایالت «تکزاس» (۱) میشد که بزودی در تمام ایالات و شهرهای اطراف اشاعه یافت . و تعداد آنان را تا حدود دوهلیون و نیم گفته‌اند . بموجب گزارش رسمی که از طرف سناتور «هو تن» به مجلس سنا داده شد در نوامبر سال ۱۹۲۲م تعداد کسانی که بوسیله افراد ك . ك . ك شلاق خورده یا قسمتی از اعضاء بد نشان قطع شده و یا امید بروی ایشان پاشیده شده از ۵۰۰ نفر متجاوز بود !

علاوه بر این شکنجه‌های قرون وسطائی که مخصوصاً به سیاهپوستان وارد میشد بسا اتفاق میافتاد که به سیاه‌ستم کشیده و زجر دیده دستور میدادند از شهری که اقامت دارد برود

و اگر اطاعت نمیکرد، آهن سرخ شده به بدنش می چسباندند و بالاخره عضوی از اعضاء بدنش را قطع میکردند و او را بدارمی آویختند و شکنجه اش میدادند، چه بسا خانه های آنها را آتش میزدند و ساکنینش را زنده زنده کباب میکردند. (۱) .



دوره سوم تاریخ این جمعیت ضد بشری از سال ۱۹۴۵ میلادی آغاز میشود که البته با مبارزه شدید دولت آمریکا روبرو شد ولی فعالیتهای آنان که با دسته فاشیستی ژرمانو آمریکین، نیز همکاری هائی داشتند، همچنان ادامه داشت و سیاهپوستان را همانند سابق مورد آزار و شکنجه، قتل و غارت قرار میدادند و نمونه از اعمال جنایتکارانه آنان طبق گزارش خبر گزاران انفجار مدرسه ای بادی نامیت بوسیله دو نفر از اعضاء جمعیت در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۵۸ در **کارولین جنوبی**، بود و این مدرسه بدان علت مورد حمله قرار گرفت که چند نفر سیاهپوست در آن مشغول تحصیل بودند. !

### نهبیت سیاهان :

مبارزه بر ضد گانگسترهای خون آشام ؛ آدم دزدها ؛ سندی کای جنایتکاران و کسانی که شاید میتوانند رئیس جمهور مملکت را در روز روشن بکشند . کار آسان و ساده ای نبود . در حالیکه همه این نیروهای ارتجاعی بر ضد سیاهان ائتلاف کرده بودند ؛ در مملکتی که طبق نوشته اطلاعات در بعضی ایالات آن از نظروضع داخلی **قانون جنگل**، حکم فرماست و دمکراسی و آزادی در این نقاط هنوز مفهوم و معنای درستی ندارد شروع بمبارزه علیه سنتها و رسوم کهنه و تبهیضات نژادی بازی با آتش بود . . . ولی سیاهان تصمیم خود را گرفته بودند . .

در نیمه دوم قرن بیستم ؛ در عصر تسخیر فضا ، درد نیاییکه حتی سیاهان **قاره سیاه**، بها خواسته ویکی پس از دیگری بحقوق مشروع و انسانی خود دست یافته و از شر استعمار و تسلط غیر قانونی سفیدپوستان نجات یافته اند ؛ هرگز معقول نبود که سیاهان آمریکا بجرم سیاهپوستی از مزایای زندگی و حقوق مدنی و اجتماعی محروم بمانند .

سیاهان امریکائی نمیتوانستند ببینند که درست در همانوقتی که فضا نورد امریکائی از پایگاه **دکیپ کاناورال**، بفضارفت و بدور زمین چرخید و برگشت ، کودکان آنان از تحصیل علم محروم بمانند و یاسکهای پلیس آنها را بدرد !

(۱) : کیهان هفته شماره ۵۰۵ تاریخ جمعیت سری کو ؛ کلوکس . کلان ؛ ترجمه از

اگر بعضی از سفیدپوستان نمیخواستند به مسئله تبعیضات ظالمانه نوادی پایان بخشند ؛ سیاهان میتوانستند در این راه پیاخیزند و حق انسانی و انسانی خود را بخواهند ...  
 نهضت سیاهان ؛ نغمه آزادی و آهنگ زندگی نوین آنان ؛ اوج گرفت و بگوش جهان نیان رسید و مخالفان رفع تبعیضات نوادی در دنیا نتوانستند سر بلند کنند ، و سر انجام ؛ در سایه مبارزات پی گیر و دامن دار آنان رئیس جمهور سابق از فرصت استفاده نمود و لایحه مر بوط به حقوق سیاهپوستان را تهیه و بکنگره آمریکا تسلیم کرد که امیدواریم هر چه زودتر بتصویب برسد و بمرحله اجرا درآید ! ...

در این میان نقش فعال و خلاق نیروهای اسلامی ، و تعلیمات اسلام ، بسیار جالب و ارزنده است و مطبوعات داخلی و خارجی ، دانشمندان جامعه شناس و متخصصان امور اجتماعی ، پس از کوششهای زیاد به تأثیرات اسلام بعنوان عامل مهم نهضت سیاهان امریکا ، اعتراف کرده و مطالبی انتشار داده اند که ما اجمالی از آنها را در شماره آینده بخواست خدا در اختیار شما میگذاریم . نشان میدهم که اگر تعلیمات ارجدار اسلامی در میان ملتها اجرا گردد ؛ راه آزادی ، راه دمکراسی در سراسر جهان هموار میگردد .

\* \* \*

## خود پسندی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند : سه چیز موجب هلاکت است : خود پسندی ، هواپرستی و بخل .  
 امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن نصایحی که بفرزندش امام حسین علیه السلام مینماید میفرماید : «فرزندم ؛ خود پسندی نشانه کم عقلی است» .  
 و نیز آنحضرت فرمودند : «هر کس خود را از چهار چیز حفظ کند شایسته است که هیچ امر ناپسند و ناگواری برای وی رخ ندهد :  
 لجاجت ، عجله ، تنبلی و خود پسندی» . (قل از تحف العقول )